

تحولات حقوقی

دوره ۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲، زمستان ۱۴۰۴

Revisiting Civil Liability Attribution for
Organizational Use of Intelligent Contract
Management Systems

Authors: Zeinab Tari
Mohammad Hossein Taghipour Darzi Naghib

بازنگری در مبنای انتساب مسئولیت مدنی ناشی از
استفاده سازمانی از سامانه‌های هوشمند مدیریت قرارداد
نویسندگان: زینب تاری | محمد حسین تقی پور درزی نقیبی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

**LEGAL
DEVELOPMENT**

volume 1, issue 2 (winter 2025), serial number 2



Revisiting Civil Liability Attribution for Organizational Use of Intelligent Contract Management Systems

¹ Zeinab Tari

PhD in Private Law, Department of Private Law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

² Mohammad Hossein Taghipour Darzi Naghibi*

Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Mohammadhosein_taghipoor@yahoo.com

Abstract

The increasing deployment of artificial intelligence systems in organizational contract management has challenged traditional models of civil liability. In such systems, risk assessment, clause evaluation, and contractual recommendations are conducted through algorithmic processes that may become structurally integrated into the formal decision-making framework of legal entities. When harm occurs, classical doctrines—whether based on individual fault, vicarious liability, or liability arising from things—do not always adequately address the complexity of technology-driven decision-making. Focusing on the organizational use of intelligent contract management systems under Iranian law, and distinguishing between contractual and non-contractual liability, this article examines how liability should be attributed where non-contractual harm occurs. It argues that when an AI system plays an effective and systematic role in the formation of a legal entity's will, the resulting decision is directly attributable to the organization itself, without disregarding the fault-based foundations of Iranian civil liability law. In such cases, liability analysis must be conducted at the structural level of the entity's decision-making framework. Accordingly, a theory of organizational (structural) liability—conceived as complementary to traditional doctrines—offers a coherent basis for effective compensation and prevents gaps in attribution in the context of AI-assisted contractual governance.

Keywords: intelligent contract management; legal entities; attribution of liability; non-contractual harm; decision-making structure.

بازنگری در مبنای انتساب مسئولیت مدنی ناشی از استفاده سازمانی از سامانه‌های هوشمند مدیریت قرارداد

^۱ زینب تاری

دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۲ محمد حسین تقی پور درزی نقیبی*

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
Mohammadhosein_taghipoor@yahoo.com

چکیده

گسترش به کارگیری سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در مدیریت قراردادهای سازمانی، الگوی سنتی تحلیل مسئولیت مدنی را با دشواری مواجه ساخته است. در این سامانه‌ها، تحلیل ریسک، ارزیابی شروط و پیشنهاد انعقاد قرارداد در قالب فرآیندی الگوریتمی انجام می‌شود که در بسیاری موارد در ساختار رسمی تصمیم‌گیری شخص حقوقی ادغام می‌گردد. در صورت بروز زیان، انتساب رفتار زیان بار بر پایه نظریه‌های سنتی - شامل انتساب به فعل شخص معین، مسئولیت ناشی از فعل غیر یا مسئولیت مرتبط با اشیا - همواره پاسخگوی پیچیدگی فرایند تصمیم‌گیری فناورانه نیست. پژوهش حاضر با تمرکز بر استفاده سازمانی از سامانه‌های مدیریت هوشمند قرارداد در حقوق ایران و با تفکیک میان مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی، به این پرسش می‌پردازد که در فرض ورود خسارات غیرقراردادی، مبنای انتساب مسئولیت چگونه باید تبیین شود. مقاله نشان می‌دهد هرگاه سامانه به‌طور مؤثر در فرآیند شکل‌گیری اراده شخص حقوقی نقش داشته باشد، نتیجه تصمیم، قابل انتساب مستقیم به سازمان است و تحلیل مسئولیت باید در سطح ساختار تصمیم‌گیری آن صورت گیرد؛ بی‌آنکه اصول مبتنی بر تقصیر در نظام مسئولیت مدنی نادیده گرفته شود. بر این اساس، رویکرد مسئولیت سازمانی (ساختاری) به‌عنوان تکمیل‌کننده چارچوب‌های سنتی، امکان جبران مؤثر خسارت و پرهیز از خلأ انتساب را فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: مدیریت هوشمند قرارداد؛ اشخاص حقوقی؛ انتساب مسئولیت؛ خسارت غیرقراردادی؛ ساختار تصمیم‌گیری.

مقدمه

گسترش بهره‌گیری از سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در فرآیندهای حقوقی، به‌ویژه در حوزه مدیریت قراردادها، موجب تحول در شیوه انعقاد، اجرا، پایش و تحلیل تعهدات قراردادی شده است. به‌کارگیری تکنیک‌های یادگیری ماشین در مراحل مختلف چرخه حیات قرارداد، از بررسی و تحلیل مفاد تا ارزیابی ریسک و پیشنهاد اصلاحات، کارایی چشمگیری ایجاد کرده و زمان انجام وظایف پیچیده را به نحو محسوسی کاهش داده است. (Betts & Jaep, ۲۰۱۶: ۲۱۷) سامانه‌های موسوم به «مدیریت هوشمند قرارداد» با اتکا به الگوریتم‌های تحلیل داده و پردازش زبان طبیعی، عملاً بخشی از فرایند ارزیابی و تصمیم‌گیری حقوقی را سامان می‌دهند؛ از تحلیل ریسک و پیشنهاد شروط قراردادی گرفته تا رتبه‌بندی گزینه‌ها و تنظیم پیش‌نویس نهایی قرارداد. (Williams, ۲۰۱۹: ۶۴۸-۶۴۹) اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که بررسی دستی قراردادها در شرکت‌های بزرگ حقوقی، هزینه‌های هنگفتی را به شرکت‌ها تحمیل می‌کند. (Hendrycks et al., ۲۰۲۱: ۱) این تحول، در کنار افزایش سرعت و دقت پردازش اطلاعات، در صورت ورود زیان پرسش‌های بنیادینی درباره نحوه انتساب مسئولیت مدنی ایجاد می‌کند (Martin-Bariteau & Pavlović, ۲۰۲۱: ۱۵).

در چارچوب سنتی مسئولیت مدنی در حقوق ایران، مسئولیت غالباً بر پایه تقصیر شخص معین، فعل زیان‌بار منتسب به عامل انسانی، یا در برخی موارد بر مبنای مالکیت و نگهداری اشیاء تحلیل می‌شود. با این حال، در فناوری‌های پیچیده‌ای که نتیجه تصمیم‌گیری محمول تعامل بخش‌های متعدد طراحی فنی، تنظیم داده، آموزش الگوریتم و نحوه به‌کارگیری سازمانی است، تعیین یک عامل انسانی مشخص به‌عنوان مرتکب تقصیر همواره آسان یا حتی ممکن نیست. در چنین وضعیتی، تکیه صرف بر مبنای سنتی مسئولیت می‌تواند به دشواری اثبات تقصیر یا نوعی خلأ در فرایند انتساب بینجامد؛ که نظریه تقصیر سنتی و مسئولیت مرتبط با اشیاء به‌طور کامل پاسخ‌گوی آن نیست.

پژوهش حاضر با تمرکز بر استفاده سازمانی از سامانه‌های مدیریت هوشمند قرارداد توسط اشخاص حقوقی، ناظر به وضعیتی است که سامانه به‌طور مؤثر در فرآیند تصمیم‌گیری ادغام شده و نتایج آن عملاً مبنای اتخاذ تصمیم سازمان قرار می‌گیرد. در این فرض، مسئله صرفاً خطای فنی یک ابزار یا تقصیر فردی خاص نیست، بلکه پرسش از چگونگی انتساب زیان ناشی از کارکرد سامانه به ساختار تصمیم‌گیری شخص حقوقی مطرح می‌شود. به بیان دیگر، بحث حاضر بر مواردی متمرکز است که نقش سامانه از حد ابزار صرف فراتر رفته و به جزئی پایدار از سازوکار تصمیم‌گیری سازمان بدل شده است.

برای پرهیز از ابهام، تفکیک میان مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی در این حوزه ضروری است. هرگاه زیان در چارچوب تعهدات ناشی از قرارداد میان سازمان و طرف مقابل تحقق یابد، تحلیل در قلمرو مسئولیت

قراردادی قرار می‌گیرد، حتی اگر منشأ آن عملکرد سامانه باشد. در مقابل، هرگاه خسارت خارج از شمول تعهدات قراردادی باشد - چه به شخص ثالث (فاقد هرگونه رابطه قراردادی) وارد شود، چه در مرحله پیش‌قراردادی رخ دهد، چه حتی ناظر به طرف قرارداد باشد اما ناقض تکلیف عام قانونی مستقل از قرارداد (مانند افشای اطلاعات محرمانه) - مسئله در چارچوب قواعد عمومی مسئولیت مدنی و به‌عنوان مسئولیت غیرقراردادی بررسی خواهد شد. تمرکز این نوشتار بر این دسته از فروض است؛ یعنی فروضی که در آن، استفاده سازمانی از سامانه هوشمند موجب خسارات غیرقراردادی می‌شود و به‌دلیل تحول در ساختار تصمیم‌گیری، انتساب تقصیر به یک فرد معین با دشواری مواجه است.

بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش آن است که آیا در فرض ادغام مؤثر سامانه‌های مدیریت هوشمند قرارداد در فرآیند تصمیم‌گیری سازمان، می‌توان مبنای انتساب مسئولیت مدنی را صرفاً بر نظریه‌های سنتی، به‌ویژه تقصیر فردی یا مسئولیت ناشی از اشیاء، استوار دانست، یا آنکه تحول در ساختار تصمیم‌گیری شخص حقوقی، مستلزم بازنگری در شیوه تحلیل انتساب مسئولیت است؟

نوشتار حاضر بدین منظور، نخست دشواری انتساب مسئولیت مدنی در مدیریت قراردادی مبتنی بر سامانه‌های هوشمند را تبیین می‌کند؛ سپس چارچوب سنتی مسئولیت مدنی و قابلیت اعمال آن در این فروض را مورد تحلیل قرار می‌دهد؛ و در نهایت، با تمرکز بر مفهوم ادغام سامانه در فرآیند شکل‌گیری اراده شخص حقوقی، امکان تبیین مبنای انتساب مسئولیت بر پایه رویکردی ساختاری را ارزیابی می‌نماید.

۱- دشواری انتساب مسئولیت مدنی در مدیریت قراردادی مبتنی بر سامانه‌های هوشمند

سامانه‌های مدیریت هوشمند قرارداد با تحلیل و آموزش بر مجموعه‌ای از قراردادهای پیشین، قادرند الگوهایی را شناسایی کنند که در عمل منجر به اختلاف شده‌اند، با استانداردهای بازار یا رویه‌های مرسوم انطباق ندارند، تعهدات مالی یا حقوقی سنگینی ایجاد می‌کنند و با نقض مقررات یا مسئولیت‌های بعدی همبستگی دارند. این سامانه‌ها از طریق الگوریتم‌های یادگیری ماشین، حجم بالایی از قراردادها را با سرعت و دقت بررسی کرده و بندهای پرخطر، مغایرت‌های احتمالی و انحرافات از استانداردهای معمول را به کاربر هشدار می‌دهند (Semmler & Rose, ۲۰۱۷: ۸۸; Yamane, ۲۰۲۰: ۸۸۱; Corrales)

Compagnucci et al., ۲۰۲۲: ۱۰-۱۱)

فرآیند تحلیل شامل بررسی انطباق قرارداد با قوانین و استانداردهای قراردادی، استخراج اطلاعات کلیدی مانند شرایط پرداخت، برنامه تحویل و شروط خاتمه قرارداد، و تشخیص بندهای مبهم یا ناقص است (Dabass & Dabass, ۲۰۱۸: ۵, Dale, ۲۰۱۹: ۲۱۴)؛ این توانمندی باعث شده تا شرکت‌ها و سازمان‌ها بتوانند سرعت بررسی قراردادها را افزایش دهند، هزینه‌های دپارتمان حقوقی را کاهش دهند، استانداردهای اسناد را تقویت کنند و ریسک‌های پنهان را آشکار سازند.



(۲۱۷: ۲۰۱۶, Betts & Jaep, ۱۹-۱۸: ۲۰۲۰, Gravett)؛ برای مثال، نرم‌افزار مدیریت قرارداد می‌تواند بندهایی که مبهم هستند، مغایرت میان بخش‌های قرارداد یا بندهای ناقص را برجسته کرده و در اختیار مدیر یک سازمان قرار دهد، امری که در بررسی‌های سنتی انسانی با چنین سرعت و دقتی ممکن نیست.

با وجود این مزایا، سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی از مصونیت برخوردار نیستند و زیان ناشی از کارکرد سامانه می‌تواند از منابع مختلف ناشی شود. یکی از دشواری‌های اصلی، سوگیری داده‌های آموزشی است؛ چرا که داده‌های ناقص یا جانبدارانه ممکن است موجب بازتولید تعصبات تاریخی در الگوریتم‌ها شود. محدودیت‌های پردازش زبان طبیعی نیز باعث دشواری در تفسیر مفاهیم حقوقی می‌شود (Foster & Lawson, ۲۰۱۸: ۶۳۲) علاوه بر این، طراحی الگوریتم و عدم لحاظ برخی متغیرهای کلیدی توسط برنامه‌نویسان می‌تواند به نتیجه‌ی ناقص منجر شود. نهایتاً، اتکای بی‌چون و چرای کاربران به این سامانه‌ها خطر ایجاد می‌کند. (Corrales Compagnucci et al., ۲۰۲۲, p. ۱۰-۱۲)

نمونه‌ای از این ریسک‌ها را می‌توان در دو وضعیت مشاهده کرد. نخست، در مرحله پیش‌قراردادی: فرض کنید یک پیمانکار به دلیل داده‌های آموزشی جانبدارانه و طراحی الگوریتم در فرآیند مناقصه کنار گذاشته شود و ادعای خسارت کند. در اینجا هنوز قراردادی منعقد نشده است و زیان وارده در زمره خسارات غیرقراردادی قرار می‌گیرد. دوم، در فرض وجود رابطه قراردادی، تصور کنید سازمان از سامانه هوشمند مدیریت قرارداد برای تحلیل و نگهداری اسناد محرمانه طرف قرارداد استفاده می‌کند؛ اما سامانه به دلیل نقص فنی یا طراحی نامناسب، اطلاعات محرمانه را فاش می‌سازد. در اینجا هرچند میان سازمان و زیان‌دیده رابطه قراردادی وجود دارد، اما خسارت وارد شده (افشای اطلاعات) ناقص تکلیف عام قانونی مستقل از قرارداد است و بنابراین در چارچوب مسئولیت غیرقراردادی قابل تحلیل می‌باشد. در هر دو وضعیت، زیان ناشی از ترکیبی از طراحی نرم‌افزار، داده‌های آموزشی و تصمیم سازمان برای اتکا به سیستم بدون نظارت انسانی است. یادگیرنده بودن، غیرشفاف بودن الگوریتم‌ها، وابستگی به داده‌های بیرونی و قابلیت تغییر رفتار سامانه در طول زمان موجب می‌شود که در صورت بروز خسارت، تشخیص اینکه کدام عامل نقش اساسی داشته است، دشوار گردد (۳۷: ۲۰۲۵, Gredka-Ligarska). البته، فروضی که زیان به طور کامل خارج از هرگونه تعامل با سازمان به شخص ثالث وارد شود، هرچند در قلمرو پژوهش است، اما به دلیل دشواری در تصویرسازی مصادیق مرتبط با مدیریت قرارداد، در این مقاله عمدتاً بر دو دسته پیشین تأکید می‌شود.

در چنین ساختاری، چارچوب سنتی مسئولیت مدنی که بر انتساب تقصیر به شخص معین مبتنی است، با دشواری جدی مواجه می‌شود؛ زیرا زیان ناشی از عملکرد سامانه می‌تواند ناشی از تعامل پیچیده میان طراحی

نرم‌افزار، داده‌های آموزشی، بی‌احتیاطی کاربر و نظارت ناکافی سازمان باشد: ۲۰۱۸، Giuffrida et al., ۷۷۰). همان‌گونه که در تحلیل خطاهای قراردادهای هوشمند نیز بیان شده، چهار عامل اصلی شامل بستر فناوریانه (بلاکچین)، سامانه هوشمند (هوش مصنوعی)، منابع داده خارجی (اوراکل) و توسعه‌دهنده می‌توانند در بروز خطا نقش داشته باشند (رضوی و دائمی، ۱۴۰۱: ۲۶) از این‌رو، در تحلیل مسئولیت ناشی از مدیریت هوشمند قراردادها، نمی‌توان صرفاً به جست‌وجوی تقصیر شخصی معین بسنده کرد، بلکه باید نحوه شکل‌گیری زیان در بستر به‌کارگیری این سامانه‌ها با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

۲- قابلیت اعمال مبانی سستی مسئولیت مدنی در استفاده سازمانی از سامانه‌های مدیریت هوشمند

در مطالعات مربوط به مسئولیت مدنی ناشی از هوش مصنوعی، بخش قابل توجهی از مباحث به تعیین جایگاه حقوقی این فناوری اختصاص یافته است؛ بدین معنا که ابتدا تلاش شده مشخص شود آیا سامانه هوش مصنوعی می‌تواند در حکم «شخص» تلقی شود یا صرفاً «شیء» «یا ابزار به شمار می‌آید، و سپس قواعد سستی مسئولیت مدنی بر مبنای این طبقه‌بندی‌ها بر آن بار شود (احسانگر و یزدانیان، ۱۴۰۴: ۶۱-۸۲؛ ذاکری نیا، ۱۴۰۲: ۱۳۹-۱۴۲). هرچند این مباحث از حیث نظری اهمیت دارند، اما در فرض استفاده سازمانی از سامانه‌های مدیریت هوشمند قرارداد، مسئله اصلی نه شخصیت حقوقی سامانه، بلکه شیوه انتساب مسئولیت مدنی و تعیین مسئولیت در بستر کاربری سازمانی آن است. در این چارچوب، سامانه هوشمند به عنوان ابزاری به کار گرفته می‌شود که در فرآیند تصمیم‌گیری قراردادی دخالت دارد، لیکن کانون تحلیل مسئولیت، همچنان اشخاص حقیقی یا حقوقی بهره‌بردار از آن باقی می‌ماند (Gredka-Ligarska, ۲۰۲۵: ۳۸). از این‌رو، ورود تفصیلی به بحث شخصیت حقوقی یا استقلال ارادی سامانه، برای هدف این مقاله تعیین‌کننده نیست.

بر این اساس، در این گفتار صرفاً به ارزیابی امکان اعمال مبانی پذیرفته‌شده مسئولیت مدنی در حقوق ایران بر خسارات ناشی از استفاده سازمانی از این سامانه‌ها پرداخته می‌شود. بدین منظور، سه چارچوب اصلی بررسی خواهد شد: نخست، مسئولیت مبتنی بر تقصیر به عنوان قاعده عمومی؛ دوم، مسئولیت ناشی از مالکیت یا نگهداری وسیله و تحلیل امکان اعمال آن در این حوزه؛ و سوم، مسئولیت ناشی از فعل غیر و قلمرو شمول آن در مواجهه با فناوری‌های هوشمند.

۲-۱- بررسی قابلیت انتساب تقصیر در استفاده از سامانه‌های هوشمند

در نظام مسئولیت مدنی ایران، اصل بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. به موجب ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، ورود زیان به دیگری زمانی موجب مسئولیت خواهد بود که در نتیجه عمد یا بی‌احتیاطی وارد شده باشد. از این‌رو، ماده یادشده در مقام بیان قاعده عمومی، مسئولیت را مبتنی بر تقصیر دانسته و ورود ضرر را مشروط



به احراز عمد یا بی‌مبالاتی عامل زیان می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۰۷). بدین ترتیب، اصل بر آن است که زیان‌دیده برای مطالبه خسارت باید وقوع تقصیر عامل زیان را اثبات کند. در این چارچوب، مسئولیت مدنی ماهیتی شخصی دارد و بر انتساب رفتار زیان‌بار به شخصی که از معیار متعارف رفتار عدول کرده است استوار است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۴۸-۱۵۱). از همین رو، می‌توان گفت مبنای اصلی مسئولیت مدنی در حقوق ایران، نظریه تقصیر می‌باشد و خروج از این مبنا نیازمند تصریح قانونی یا توجیه خاص است (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۲۶).

با انتقال این مبنا به حوزه استفاده سازمانی از سامانه‌های هوشمند مدیریت قرارداد، پرسش اصلی آن است که تقصیر در این فضا چگونه و به چه کسی منتسب می‌شود. در فرضی که یک سازمان تحلیل، ارزیابی یا پیشنهاد شروط قراردادی را به سامانه مبتنی بر هوش مصنوعی واگذار می‌کند و نتایج حاصل از عملکرد این سامانه موجب ورود خسارت به طرف قرارداد یا شخص ثالث می‌شود، نخست باید بررسی کرد که آیا انتخاب سامانه‌ای نامطمئن یا فاقد ارزیابی کافی می‌تواند مصداق بی‌احتیاطی سازمان باشد. همچنین این پرسش مطرح است که آیا واگذاری کامل فرآیند تحلیل قرارداد به سامانه، بدون پیش‌بینی نظارت انسانی مؤثر، انحراف از رفتار متعارف حرفه‌ای محسوب می‌شود یا خیر. چرا که معیار بی‌احتیاطی در فعالیت‌های تخصصی، رفتار معقول اشخاصی است که در آن رشته از دانش و مهارت کافی برخوردارند (عباسلو، ۱۳۹۴: ۴۸). افزون بر این، فقدان سازوکارهای کنترلی، دستورالعمل‌های داخلی یا نظام ارزیابی ریسک در بهره‌گیری از فناوری‌های خودکار، ممکن است به عنوان نوعی تقصیر سازمانی تحلیل شود؛ بدین معنا که خود سازمان به سبب شیوه سازمان‌دهی فعالیت خود و نحوه ادغام فناوری در فرآیند تصمیم‌گیری، از معیار احتیاط متعارف عدول کرده باشد. چنان‌که در تحلیل تقصیر سازمانی در حوزه مسئولیت تولید نیز بیان شده است، در ساختارهای پیچیده ممکن است عنصر تقصیر در فرآیند جمعی و سازمانی نهفته باشد، بی‌آنکه بتوان آن را به شخص معین منتسب کرد؛ از این رو به جای انکار تقصیر، باید از تقصیر سازمانی یا جمعی سخن گفت (کاتوزیان (۱)، ۱۳۸۸: ۲۱۲). بنابراین، نظریه تقصیر در سطح نظری قابلیت آن را دارد که رفتار مدیران، کاربران یا حتی خود شخص حقوقی را در چارچوب بی‌احتیاطی حرفه‌ای مورد سنجش قرار دهد.

با این حال، اعمال این مبنا در برابر زیان‌های ناشی از عملکرد سامانه‌های الگوریتمی با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. نخست آن‌که شخصی‌سازی تقصیر در نظام‌های مبتنی بر یادگیری ماشین دشوار می‌شود؛ زیرا کارکرد سامانه غالباً حاصل ترکیب عوامل متعدد از جمله طراحی اولیه، داده‌های ورودی، به‌روزرسانی‌های نرم‌افزاری و نحوه ادغام سازمانی است و به سختی می‌توان آن را به فعل یا ترک فعل مشخص یک انسان منتسب کرد (۳۸: ۲۰۲۵، Gredka-Ligarska). دوم آن‌که در شرایطی که سازمان از سامانه‌ای استفاده می‌کند که مطابق استانداردهای متعارف بازار و توصیه‌های تخصصی به کار گرفته شده است، اثبات

بی احتیاطی امری پیچیده خواهد بود؛ چرا که عدول از رفتار متعارف به روشنی قابل احراز نیست. سوم آن که در سیستم‌های مبتنی بر یادگیری، رابطه سببیت میان رفتار انسانی مشخص و زیان وارده مبهم می‌شود؛ زیرا تصمیم نهایی محصول فرآیندهای آماری و پردازشی پیچیده است و تعیین سبب نزدیک زیان با دشواری همراه است (Giuffrida et al., ۲۰۱۸: ۷۵۴ & ۷۷۹; Corrales Compagnucci et al., ۲۰۲۲: ۱۱-۱۲). این دشواری در اثبات خطا و تقصیر، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی در حوزه فناوری‌های خودکار است (ابراهیمی، ۱۴۰۴: ۳۸۱). بدین ترتیب، هر چند نظریه تقصیر همچنان چارچوب اصلی مسئولیت مدنی در حقوق ایران به شمار می‌آید و در برخی فروض قابل اعمال است، اما در مواجهه با عملکرد زیان بار و خودمختار ناشی از سامانه‌های هوشمند مدیریت قرارداد، با دشواری‌های عملی و تحلیلی قابل توجهی روبه‌رو می‌شود.

۲-۲- امکان اعمال قواعد مسئولیت ناشی از فعل غیر در قبال عملکرد سامانه

در نظام مسئولیت مدنی ایران، اصل بر شخصی بودن مسئولیت است؛ بدین معنا که هر شخص تنها پاسخگوی رفتار و تقصیر خویش است و تحمیل مسئولیت به سبب فعل یا ترک فعل دیگری امری استثنایی و نیازمند تصریح قانونی است. با این حال، قانونگذار در موارد خاص، به منظور حمایت از زیان‌دیده و تقویت الزامات احتیاط و نظارت، مسئولیت ناشی از فعل غیر را پذیرفته است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۳۱۴-۳۱۵). در حوزه فعالیت سازمان‌ها، دو نمونه مهم از این استثناها قابل توجه است: نخست، مسئولیت کارفرما در قبال خسارات وارد شده از سوی کارکنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن (ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی) و دوم، مسئولیت دولت و مؤسسات عمومی در موارد مقرر در ماده ۱۱ همان قانون. این دو نهاد، اگرچه متفاوت در مبنا و قلمرو اجرا هستند، اما هر دو بر این فرض استوارند که فعل زیان‌بار از سوی یک انسان قابل شناسایی صادر شده و امکان انتساب آن، به‌نحوی از انحاء، به شخص دیگری وجود دارد.

با انتقال این چارچوب به فضای استفاده سازمانی از سامانه‌های هوشمند مدیریت قرارداد، پرسش اساسی آن است که آیا می‌توان خسارت ناشی از عملکرد چنین سامانه‌ای را در قالب یکی از این دو الگو تحلیل کرد. در فرضی که یک سازمان تحلیل و تنظیم قرارداد را به سامانه‌ای مبتنی بر هوش مصنوعی واگذار می‌کند و نتیجه پردازش سامانه موجب ورود زیان می‌شود، نخست باید پرسید که آیا می‌توان این کارکرد زیان بار را «فعل کارمند» تلقی کرد تا مسئولیت کارفرما موضوع ماده ۱۲ قابل اعمال باشد؟ اگر کارمند صرفاً نقش کاربر سامانه را داشته و تصمیم نهایی محصول پردازش الگوریتمی باشد، انتساب مستقیم فعل زیان‌بار به او با ابهام مواجه می‌شود (Giuffrida et al., ۲۰۱۸: ۷۷۰; Herbosch & Mertens, ۲۰۲۵: ۱۱). از سوی دیگر، آیا می‌توان سامانه هوشمند را در حکم وسایل اداری دانست و خسارت را ناشی از نقص آن تلقی کرد تا مسئولیت سازمان بر مبنای ماده ۱۱ تحلیل شود؟ چنین تحلیلی در مواردی که ایراد فنی، اشکال

نرم‌افزاری یا فقدان به‌روزرسانی موجب زیان شده باشد، قابل پذیرش است. اما در سامانه‌های مبتنی بر یادگیری، مسئله همواره نقص فنی به معنای متعارف نیست؛ بلکه گاه تصمیم زیان‌بار نتیجه فرآیند پردازشی مستقلی است که در ساختار تصمیم‌سازی سازمان جایگزین اراده انسانی شده است (Gredka-Ligarska, ۲۰۲۵: ۴۴-۴۵). در این وضعیت، دشوار است که مسئولیت مدنی را صرفاً به نقص وسیله نسبت داد.

از این رو، هرچند می‌توان در برخی فروض، سامانه هوشمند را در قالب فعل غیر یا نقص وسایل اداری تحلیل کرد، اما این الگوها بر فرض وجود فاعل انسانی مشخص یا ابزار معیوب قابل اعمال هستند (Gredka-Ligarska, ۲۰۲۵: ۳۹). بنابراین، در فرضی که سامانه مطابق طراحی عمل کرده باشد، اما نتیجه زیان‌بار رخ دهد، چارچوب‌های مبتنی بر عیب یا کوتاهی فردی قادر به پاسخ‌گویی نیستند (Vladeck, ۲۰۱۴: ۱۴۶). در مواجهه با تصمیمات مبتنی بر پردازش خودکار، این چارچوب‌ها با محدودیت تحلیلی روبه‌رو می‌شوند و نمی‌توانند در تمامی فروض پاسخگویی مسئولیت‌های ناشی از مدیریت هوشمند قرارداد باشند.

۳-۲- مسئولیت ناشی از مالکیت و نگهداری اشیا و کارکرد آن در سامانه‌های هوشمند

در حقوق ایران، مسئولیت ناشی از اشیا ذیل قواعد تسبیب و در موادی همچون ۳۳۳ و ۳۳۴ قانون مدنی و نیز مقررات قانون مجازات اسلامی مطرح شده است. در نگاه نخست ممکن است چنین پنداشته شود که قانونگذار برای مالک یا متصرف شیء نوعی مسئولیت مستقل و فراتر از تقصیر ایجاد کرده است؛ اما با اندکی تأمل روشن می‌شود که مبنای غالب در این حوزه نیز همان تقصیر است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۶۲). به موجب ماده ۳۳۳ قانون مدنی، صاحب دیوار یا بنا زمانی مسئول خسارت ناشی از خرابی آن است که خرابی ناشی از عیبی باشد که از آن آگاه بوده یا در نتیجه عدم مواظبت او پدید آمده باشد. همچنین ماده ۳۳۴ در خصوص حیوان، مسئولیت مالک یا متصرف را منوط به تقصیر در حفظ حیوان می‌داند. بدین ترتیب، صرف مالکیت به خودی خود سبب مسئولیت نیست، بلکه عنصر اساسی، قابلیت انتساب خسارت به نوعی کوتاهی در نگهداری، مراقبت یا رفع عیب است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴: ۱۸۴).

با این حال، در برخی مقررات خاص، گرایشی به تشدید مسئولیت مشاهده می‌شود. از جمله در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است که هرگاه شخصی با اذن دیگری وارد محلی شود و از ناحیه حیوان متعلق به اذن‌دهنده صدمه ببیند، اذن‌دهنده ضامن است، هرچند نسبت به خطر علم نداشته باشد. این حکم صرفاً ناظر به حیوان است، نه اشیای دیگر، و در تفسیر آن میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی، این حکم را نمونه‌ای از مسئولیت محض دانسته‌اند که با اثبات بی‌تقصیری نیز از عهده اذن‌دهنده برداشته نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۸۳؛ داراب پور، ۱۳۹۶: ۱۶۷). در مقابل، برخی دیگر کوشیده‌اند با تفسیر

محدودکننده، آن را در چارچوب فرض تقصیر یا انتساب عرفی تحلیل کنند تا با ساختار کلی مسئولیت مبتنی بر تقصیر در حقوق ایران سازگار بماند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۲۷۳). به هر حال، این مقرر نشان می‌دهد که در حوزه خطرات ناشی از موجودات زنده تحت سلطه شخص، قانونگذار در مواردی به حمایت پررنگ‌تری از زیان‌دیده تمایل نشان داده است.

انتقال این مبانی به حوزه استفاده سازمانی از سامانه‌های هوشمند مدیریت قرارداد، این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا می‌توان سامانه هوشمند را در حکم «شیء» تلقی کرد و سازمان را به عنوان مالک یا متصرف آن، مسئول خسارات ناشی از عملکرد آن دانست؟ اگر سامانه را همانند سایر ابزارهای فنی یک وسیله بدانیم، در چارچوب ماده ۳۳۳ باید احراز شود که خسارت ناشی از عیب قابل انتساب به سازمان یا ناشی از عدم مراقبت او در نگهداری و به‌روزرسانی سیستم بوده است. به بیان دیگر، سازمان زمانی مسئول خواهد بود که مثلاً از نقص فنی، آسیب‌پذیری امنیتی یا عدم کفایت آزمون‌های سامانه آگاه بوده یا در نظارت و کنترل متعارف کوتاهی کرده باشد.

با این حال، قیاس سامانه هوشمند با اشیای سنتی با دشواری‌هایی روبه‌روست. در مسئولیت ناشی از اشیاء، فرض بر آن است که شخص بر شیء سلطه و قابلیت مهار دارد و در صورت وجود خطر می‌تواند آن را برطرف سازد. اما در سامانه‌های مبتنی بر یادگیری، نتیجه تصمیم‌گیری ممکن است حاصل پردازش خودکار داده‌ها و تحول درونی الگوریتم باشد؛ به گونه‌ای که پیش‌بینی دقیق کارکرد آن برای مالک یا کاربر همواره ممکن نباشد. (Giuffrida et al., ۲۰۱۸: ۷۶۴-۷۶۵) این ویژگی‌ها سبب می‌شود که رفتار سامانه‌های هوشمند به‌سختی به عیب قابل شناسایی یا کوتاهی در حوزه کنترل مالک نسبت داده شود و از این رو، الگوهای سنتی مسئولیت مبتنی بر عیب شیء کفایت کامل نداشته باشد (Wendehorst, ۲۰۲۲: ۱۹۵-۱۹۶). در نتیجه، هرچند می‌توان سامانه هوشمند را از منظر مالکیت و نگهداری در قالب مسئولیت ناشی از اشیاء تحلیل کرد، اما این الگو نیز با محدودیت‌هایی مواجه است.

با توجه به محدودیت‌های مبانی سنتی مسئولیت مدنی و پیچیدگی کارکرد زیان‌بار ناشی از سامانه‌های هوشمند، مبحث بعدی به بررسی بازنگری مسئولیت مدنی و پذیرش مسئولیت سازمانی اختصاص می‌یابد. آنچه مبانی کلاسیک را ناکافی می‌سازد، نه فقدان تقصیر، بلکه جابه‌جایی کانون تقصیر از سطح فرد به سطح ساختار است. در تحلیل‌های معاصر نیز بر ضرورت حرکت به سوی الگوهای فراتر از تقصیر شخص معین یا مبتنی بر فعالیت سازمان‌یافته تأکید شده است. (Vladeck, ۲۰۱۴: ۱۴۵-۱۴۹) بدین ترتیب، مسئله دیگر یافتن فاعل انسانی یا عیب ابزار نیست، بلکه تعیین جایگاه این کارکرد زیان‌بار در ساختار اراده شخص حقوقی است.

۳- تبیین مبنای سازمانی (ساختاری) انتساب مسئولیت مدنی در استفاده سازمانی از سامانه‌های هوشمند

آنچه در گفتار پیشین نشان داده شد، کفایت نسبی مبانی سنتی مسئولیت مدنی در فرض ساده و در عین حال دشواری آن‌ها در مواجهه با ادغام سامانه‌های هوشمند در ساختار تصمیم‌گیری سازمان‌ها بود. همان‌گونه که در مطالعات تطبیقی نیز تأکید شده، اثبات رابطه علیت میان ضرر و فعل آسیب‌زننده به دلیل پیچیدگی، استقلال و پیش‌بینی‌ناپذیری هوش مصنوعی بسیار دشوار است (حاجی‌اسماعیلی، ۱۴۰۳: ۸۹). از این‌رو، در این گفتار تلاش می‌شود با تمرکز بر نحوه شکل‌گیری اراده شخص حقوقی و جایگاه ساختار سازمانی در انتساب مسئولیت، امکان تبیین مبنای ساختاری برای انتساب مسئولیت مدنی بررسی شود. چرا که تحول فناوری‌های خودکار نه تنها قواعد مسئولیت، بلکه ساختارهای نهادی استفاده‌کننده آن را نیز دگرگون می‌کند؛ به نحوی که پاسخگویی در سطح سازمانی بازنندیشی می‌شود (Calo, 2015: 556-557).

۳-۱- جایگاه سامانه هوشمند مدیریت قرارداد در سازوکار شکل‌گیری اراده شخص حقوقی

سازمان به عنوان یک شخص حقوقی، موجودی اعتباری است که فاقد اراده طبیعی است و اراده خود را از طریق ارکان و ساختار تصمیم‌گیرنده خویش ابراز می‌کند. همان‌گونه که در نظریه رکن بودن مدیران شخص حقوقی مطرح شده است، مدیران و مقامات تصمیم‌گیرنده نه و کلا و نه نمایندگان شخص حقوقی، بلکه اندام و جزء پیکره آن محسوب می‌شوند و اراده آنان، اراده شخص حقوقی تلقی می‌شود. به تعبیر ایشان، تقصیر مدیران سازمان تصمیم‌گیرنده، تقصیر شخص حقوقی است؛ زیرا سازمان مدیریت، جزئی از ساختمان حقوقی آن به شمار می‌آید (کاتوزیان (۲)، ۱۳۸۸: ۶۵-۶۷).

همین تحلیل در ادبیات حقوق تجارت نیز تأیید شده است. ماده ۵۸۹ قانون تجارت تصمیم‌گیری شخص حقوقی را به مقامات صلاحیت دار منتسب می‌کند، نه به نمایندگان، و این تعبیر مؤید نظریه رکن بودن مدیران است (عیسائی تفرشی، ۱۳۹۵: ۱۶۵). بر این اساس، اراده شخص حقوقی از طریق ساختار رسمی تصمیم‌گیری آن شکل می‌گیرد و به اعتبار همین ساختار، به او منتسب می‌شود.

در چارچوب مدیریت هوشمند قراردادها، مسئله اساسی این است که آیا می‌توان نتیجه تحلیل سامانه‌های هوش مصنوعی را بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری شخص حقوقی تلقی کرد؟ بدیهی است که سامانه هوشمند دارای شخصیت و اراده مستقل نیست. نه قانون و نه دکترین ایرانی چنین وصفی را برای فناوری قائل نشده‌اند (باقری، ۱۴۰۴: ۵۹). با این حال، هنگامی که سازمان به طور مستمر، نظام‌مند و مبتنی بر آیین‌نامه داخلی، تحلیل شروط قراردادی، ارزیابی ریسک یا پیشنهاد انعقاد قرارداد را به سامانه هوشمند واگذار می‌کند و تصمیم‌نهایی عملاً بر نتیجه آن استوار می‌شود، سامانه صرفاً یک ابزار منفعل باقی نمی‌ماند؛ بلکه به بخشی از

فرآیند رسمی تصمیم‌گیری تبدیل می‌شود (۹-۱۰: ۲۰۲۱, Martin-Bariteau & Pavlović). در چنین فرضی، اتکای مستمر به سامانه هوشمند، معادل ادغام آن در فرآیند شکل‌گیری اراده شخص حقوقی است (۱۷-۱۸: ۲۰۲۵, Herbosch & Mertens). به بیان دیگر، تصمیم‌نهایی همچنان تصمیم سازمان است، هرچند فرآیند تحلیل و پردازش آن از طریق الگوریتم انجام شده باشد. آنچه نظریه مسئولیت ساختاری را از یک فرضیه نظری به الگویی قابل اجرا در رویه قضایی تبدیل می‌کند، تعیین شاخص‌های عینی برای تشخیص «ادغام مؤثر» سامانه هوشمند در فرآیند تصمیم‌گیری سازمان است. این شاخص‌ها می‌توانند معیاری عملیاتی در اختیار دادگاه‌ها قرار دهند:

- ۱- تداوم استفاده: بدیهی است هرگاه سازمان به صورت موردی و استثنایی از سامانه استفاده کرده باشد، نمی‌توان از «ادغام مؤثر» سخن گفت. اما اگر استفاده از سامانه در رویه مستمر و مبتنی بر بخشنامه یا آیین‌نامه داخلی باشد، قرینه قوی بر ادغام است.
- ۲- حذف یا تضعیف نظارت انسانی مؤثر: محققان بر ضرورت نظارت انسانی به عنوان شرط لازم برای پاسخگویی تأکید کرده‌اند و فقدان آن را یکی از چالش‌های اصلی مسئولیت مدنی در عصر هوش مصنوعی می‌دانند (۸۸۲-۸۸۴: ۲۰۲۰, Yamane, ۱۰-۱۱, ۲۰۲۱, Martin-Bariteau & Pavlović). بنابراین، چنانچه سازمان فرآیندی برای بازبینی مستقل نتایج سامانه پیش‌بینی نکرده باشد، یا نظارت انسانی صرفاً شکلی و غیرمؤثر باشد، این امر نشان‌دهنده اتکای سازمان به سامانه به عنوان جزئی از ساختار تصمیم‌گیری است.
- ۳- جایگاه سامانه در سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری سازمانی: پژوهش‌های تطبیقی نشان داده است که هرگاه سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در وظایف اطلاعاتی مدیران و فرآیند تصمیم‌گیری هیأت مدیره نقش داشته باشد، استاندارد بازبینی قضایی تصمیمات باید متناسب با میزان اتکا به آن تعدیل شود (۲۵-۲۷: ۲۰۲۵, Herbosch & Mertens).

همچنین گفته شده است که یک سیستم کامپیوتری می‌تواند عامل صالح برای الزام آور کردن تصمیمات برای اصیل خود باشد (۸-۱۰: ۲۰۲۱, Martin-Bariteau & Pavlović). بدین سبب، اگر سامانه در مرحله حساس و تعیین‌کننده تصمیم‌گیری (مانند ارزیابی‌نهایی پیمانکاران یا پیشنهاد انعقاد قرارداد) به کار رفته باشد و تصمیم‌نهایی بدون خروجی سامانه اتخاذ نشود، می‌تواند نشانه ادغام باشد.

چهارم، میزان اتکای تصمیم‌نهایی به خروجی سامانه: ویژگی‌هایی چون خودمختاری، پیچیدگی، غیرشفافیت و قابلیت یادگیری سامانه‌های هوشمند، اتکای صرف به آنها را بدون نظارت انسانی با مخاطره همراه می‌سازد و مبنایی برای مسئولیت سازمان ایجاد می‌کند (۸-۱۰: ۲۰۲۵, Gredka-Ligarska). همچنین تأکید

شده است که نتایج این سامانه‌ها نباید به طور خودکار به عنوان حقیقت پذیرفته شوند و کاربران (سازمان‌ها) باید نسبت به بررسی نتایج اقدام کنند (Yamane, ۲۰۲۰, ۸۸۳-۸۸۴). اگر در عمل، مدیران سازمان بدون بررسی مستقل و صرفاً بر مبنای تحلیل الگوریتمی تصمیم می‌گیرند، این اتکای مطلق نشانه آن است که سامانه به جزئی از «اراده سازمان» تبدیل شده است.

پنجم، طراحی سازمانی و توزیع وظایف: تأکید بر انتخاب، نظارت و شفافیت سامانه به عنوان تضمین‌های کلیدی حقوقی، نشان می‌دهد که نحوه طراحی سازمانی استفاده از سامانه‌های هوشمند یکی از معیارهای اصلی احراز مسئولیت است (Herbosch & Mertens, ۲۰۲۵, ۳۰-۳۱). هرگاه سازمان در شرح وظایف واحدهای خود، تحلیل و ارزیابی قراردادها را مستقیماً به سامانه ارجاع داده و کارکنان را صرفاً در نقش تأییدکننده صوری قرار داده باشد، این ساختار حاکی از ادغام مؤثر است.

ششم، عدم امکان یا دشواری نقض تصمیم سامانه توسط مدیران: غیرشفافیت و پیچیدگی سامانه‌های هوشمند، که به عنوان چالش‌های اصلی مسئولیت شناخته می‌شوند، می‌توانند مبنایی برای شناسایی «ادغام مؤثر» تلقی گردند، چرا که در این وضعیت، سازمان عملاً توانایی کنترل مؤثر بر تصمیمات را از دست داده است (Gredka-Ligarska, ۲۰۲۵, ۳۷-۳۸). همان‌گونه که پژوهشگران پرسش کرده‌اند: چگونه می‌توان خطای الگوریتمی را شناسایی کرد در حالی که حتی برنامه‌نویسان نیز نمی‌توانند توضیح دهند که نتیجه چگونه حاصل شده است؟ (Giuffrida, ۲۰۱۸, ۷۷۸-۷۸۰). اگر در عمل، مدیران امکان انحراف از نتیجه سامانه را ندارند (به دلیل طراحی سیستم، فشار زمانی، یا هزینه‌های سنگین بازبینی)، این وضعیت نشانگر جایگزینی اراده سامانه به جای اراده انسانی است.

دادگاه‌ها می‌توانند با تجمیع این شاخص‌ها، تشخیص دهند که آیا سامانه «ابزاری منفعل در دست سازمان» است یا «جزئی پایدار از سازوکار شکل‌گیری اراده شخص حقوقی» تلقی می‌شود. بدیهی است که وجود یک یا چند شاخص به تنهایی کافی نیست، بلکه باید تصویر کلی حاکم بر ساختار تصمیم‌گیری سازمان مورد ارزیابی قرار گیرد. پس از تبیین شاخص‌های عینی، اکنون باید روشن شود که این تحلیل چگونه با نظریه رکن بودن شخص حقوقی سازگار می‌افتد.

این تحلیل با نظریه رکن بودن نیز ناسازگار نیست؛ زیرا در اینجا برای سامانه شأن نمایندگی یا شخصیت مستقل تصور نمی‌شود، بلکه سازمان روش تصمیم‌گیری خود را به کمک آن سامان داده است. به عبارت دیگر، منطق انتساب حاکم بر نظریه رکن بودن (یعنی انتساب تصمیمات اتخاذشده در درون ساختار سازمان به خود شخص حقوقی) مورد استناد است، نه تساوی سامانه با مدیران به عنوان ارکان شخص حقوقی. همان‌گونه که مدیران، به اعتبار عضویت در ساختار سازمانی، مظهر اراده شخص حقوقی‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۶۷). فناوری‌ای که به‌طور مؤثر و تعیین‌کننده در فرآیند تصمیم‌گیری ادغام شده، در چارچوب

ساختار سازمانی عمل می‌کند و نقش آن در تحقق اراده سازمان قابل چشم‌پوشی نیست. در ادبیات نوین فناوری، سامانه هوشمند به منزله ابزار تنظیم رفتار تلقی شده است؛ بدین معنا که نحوه کدنویسی و طراحی الگوریتم، خود واجد کارکرد هنجاری است. (Calo, ۲۰۱۵: ۵۵۹-۵۶۰) این تحلیل مؤید آن است که بررسی مسئولیت در قبال سامانه‌های هوشمند، مستلزم توجه به سطح طراحی و ساختار سازمانی است. از سوی دیگر، در تحلیل مسئولیت اشخاص حقوقی، تفکیک میان تقصیر شخصی مدیر و تقصیر منتسب به سازمان نیز پذیرفته شده است. در مواردی که اقدام مدیر در چارچوب وظایف سازمانی و برای تأمین منافع شخص حقوقی انجام می‌شود، مسئولیت در سطح شخص حقوقی مستقر است؛ هرچند امکان مسئولیت شخصی مدیر در فرض تقصیر مستقل نیز منتفی نیست (کاتوزیان (۲)، ۱۳۸۸: ۶۷). همین منطقی نشان می‌دهد که انتساب زیان به سازمان، مبتنی بر ساختار است، نه صرف نمایندگی.

در برخی تحلیل‌ها، به ویژه در حوزه مسئولیت تولید، مفهوم «تقصیر سازمانی» مطرح شده است؛ بدین معنا که در فعالیت‌های پیچیده و ساختارمند، منشأ زیان را نمی‌توان به شخص معین نسبت داد، بلکه شیوه سازمان‌دهی و توزیع وظایف در درون مجموعه، منشأ مسئولیت است (کاتوزیان (۱)، ۱۳۸۸: ۲۱۲). هرچند این مفهوم عمدتاً در حوزه فعالیت‌های صنعتی و تولیدی مطرح شده، مبنای تحلیلی آن قابل تعمیم به فعالیت‌های تصمیم‌ساز فناورانه نیز هست. این تلقی که تقصیر می‌تواند جنبه جمعی و ساختاری داشته باشد، زمینه نظری لازم را برای توسعه مسئولیت سازمانی در برابر زیان ناشی از سامانه‌های خودکار فراهم می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد که در ساختارهای پیچیده، تحلیل مسئولیت ناگزیر به توجه به نحوه استقرار و سامان‌دهی فرآیند تصمیم‌گیری است، نه صرفاً شناسایی خطای فردی (Herbosch & Mertens, ۲۰۲۵، ۳۱). بر این اساس، این نظریه جایگزین مبنای سنتی مسئولیت مدنی نیست، بلکه مکمل چارچوب‌های کلاسیک مسئولیت مدنی است. هنگامی که زیان ناشی از نحوه ادغام سامانه، حذف نظارت انسانی مؤثر، یا اتکای به تحلیل الگوریتمی باشد، منشأ زیان را باید در سطح ساختار تصمیم‌گیری سازمان جست‌وجو کرد، نه در رفتار زیان‌بار فردی کارمند یا عیب فنی صرف سامانه. با توجه به اینکه سامانه هوشمند می‌تواند به‌طور مؤثر در فرآیند تصمیم‌گیری ادغام شود، پرسش بعدی این است که چگونه مسئولیت ناشی از این تصمیمات به شخص حقوقی منتسب می‌شود.

۳-۲- مسئولیت مستقیم سازمان‌ها در قبال خسارات غیر قراردادی

پذیرش ادغام سازمانی سامانه هوشمند، پیامد مستقیم در حوزه انتساب مسئولیت دارد. در الگوهای سنتی، یا باید رفتار زیان‌بار را به کارمند انسانی منتسب کرد (فعل غیر)، یا به عیب وسیله و شیء (مالکیت و نگهداری) در هر دو فرض، تمرکز بر شخص یا شیء معین است. اما در بسیاری از سامانه‌های مبتنی بر یادگیری، تصمیم



زیان‌بار نه ناشی از تقصیر مستقیم کارمند است و نه صرفاً عیب فنی ابزار؛ بلکه نتیجه کارکرد یک نظام تصمیم‌گیری الگوریتمی است که سازمان آن را جایگزین تحلیل انسانی کرده است.

در چنین وضعیتی، سازمان ممکن است استناد به استقلال فنی سامانه یا پیچیدگی الگوریتم کند. در نتیجه، زیان‌دیده با دشواری قابل توجهی در انتساب مسئولیت مدنی مواجه خواهد شد. پذیرش مسئولیت سازمانی (ساختاری) دقیقاً برای جلوگیری از همین خلأ است. بر مبنای این نظریه، نتیجه تصمیم به خود شخص حقوقی منتسب می‌شود و وی در برابر اشخاص ثالث مسئول است. این تحلیل با نظریه قابلیت انتساب عرفی که در فقه اسلامی ریشه دارد و ورود ضرر و برقراری رابطه سببیت عرفی را در ایجاد مسئولیت مدنی کافی می‌داند، همسو است (ذاکری نیا و غلامپور، ۱۴۰۳: ۱۶۳). در تحلیل تعدد اسباب، ممکن است طراحی نرم‌افزار، داده‌های آموزشی، تصمیم‌کاربر و ساختار سازمانی همگی در بروز زیان دخیل باشند. با این حال، هرگاه سامانه در چارچوب رسمی تصمیم‌گیری سازمان و به عنوان مبنای مؤثر تصمیم‌نهایی به کار گرفته شده باشد، عرفاً سبب متعارف زیان همان تصمیم سازمانی تلقی می‌شود؛ حتی اگر منشأ آن پیچیده یا غیرشفاف باشد. حتی در فرض دخالت اسباب متعدد، هرگاه سازمان نقش محوری در فعال‌سازی و به‌کارگیری نظام تصمیم‌گیری الگوریتمی داشته باشد، می‌توان آن را سبب غالب یا اقوی در زنجیره علیت تلقی کرد (ایروانی و دیگران، ۱۴۰۴: ۱۷).

در این چارچوب، مسئولیت مزبور مسئولیت مستقیم شخص حقوقی تلقی می‌شود و نه مسئولیتی تبعی یا ناشی از فعل غیر. همان‌گونه که تقصیر ارگان، تقصیر شخص حقوقی تلقی می‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۳۳۳). تصمیمی که در بستر ساختاری و با اتکای مؤثر به سامانه اتخاذ شده نیز به شخص حقوقی منتسب می‌گردد. بر اساس این رویکرد، شخص ثالث مکلف به اثبات تقصیر فنی سامانه یا خطای جزئی برنامه‌نویسان نیست، بلکه کافی است احراز کند که تصمیم زیان‌بار در چارچوب رسمی سازمان و بر پایه سامانه‌ای اتخاذ شده که به‌طور مؤثر در فرآیند تصمیم‌گیری ادغام شده است و احراز این ادغام مبتنی بر شاخص‌های شش‌گانه مذکور در قسمت قبل صورت می‌پذیرد. در چنین وضعیتی، تقصیر در سطح ساختار سازمانی تحلیل می‌شود و احراز آن بر پایه نحوه استقرار، نظارت و به‌کارگیری سامانه در درون شخص حقوقی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، عنصر تقصیر حذف نمی‌شود، بلکه موضوع آن از رفتار فردی به شیوه سامان‌دهی فرآیند تصمیم‌گیری منتقل می‌شود. این رویکرد با دیدگاه‌های بین‌المللی همسو است که بر اساس آن، در مواردی که اثبات تقصیر فنی یا عیب سامانه دشوار است، مسئولیت متوجه سازمان بهره‌بردار به عنوان نهاد مسئول جبران خسارت خواهد بود (Wendehorst, ۲۰۲۱: ۴۷; Gredka-Ligarska, ۲۰۲۵: ۲۰۵-۲۰۶).

البته این امر به معنای نفی امکان رجوع داخلی یا مسئولیت اشخاص دیگر نیست؛ چنان که در مورد مدیران نیز مسئولیت شخص حقوقی مانع بررسی مسئولیت شخصی آنان در فرض تقصیر مستقل نمی شود (کاتوزیان (۲)، ۱۳۸۸: ۶۸) اما در رابطه با شخص ثالث، مسئولیت اولیه بر عهده سازمان استفاده کننده از سامانه مبتنی بر هوش مصنوعی است.

در این چارچوب، دیگر نیازی به تفکیک میان مالک و کاربر در برابر زیان دیدگان ناشی از خسارات غیر قراردادی نیست؛ زیرا شخصی که سامانه را در ساختار رسمی تصمیم‌گیری خود ادغام کرده و از نتایج آن بهره می‌برد، همان شخص حقوقی است. تنظیم روابط داخلی میان سازمان، کارمند، طراح یا تأمین‌کننده سامانه، موضوعی جداگانه و خارج از بحث انتساب اولیه است. بر این اساس، هنگامی که سامانه هوشمند در چارچوب سازمانی به صورت نظام‌مند به کار گرفته می‌شود و تصمیم‌نهایی بر مبنای تحلیل آن اتخاذ می‌گردد، نتیجه حاصل به شخص حقوقی منتسب است. مسئولیت مدنی نیز در برابر زیان دیدگان ناشی از خسارات غیر قراردادی در سطح سازمان مستقر خواهد بود، بی‌آنکه نیاز به اثبات تقصیر فردی معین یا تمسک به قواعد مالکیت شیء باشد. (Gredka-Ligarska, ۲۰۲۵: ۴۷) چرا که سازمان باید در قبال عملکرد سامانه‌های هوشمندی که در چارچوب فعالیت حرفه‌ای خود به کار می‌گیرد، همانند مسئولیتی که نسبت به عملکرد کارکنان خود دارد پاسخگو باشد، حتی در فرضی که تقصیر فردی یا عیب فنی مشخص قابل اثبات نباشد. (Wendehorst, ۲۰۲۲: ۲۰۷-۲۰۸) این تحلیل، توسعه‌ای نظری در چارچوب حقوق ایران است که با نظریه رکن بودن مدیران و پذیرش اراده مستقل شخص حقوقی سازگار است. چنین تفسیری، ضمن پرهیز از ایجاد مسئولیت محض، تعادل میان حمایت مؤثر از اشخاص ثالث و حفظ منطق مبتنی بر تقصیر در نظام مسئولیت مدنی ایران را برقرار می‌سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

تحول در بهره گیری سازمان‌ها از سامانه‌های هوشمند مدیریت قرارداد، نشان می‌دهد که مسئله اصلی در حوزه مسئولیت مدنی، نه اعطای شخصیت حقوقی به فناوری و نه صرفاً تعیین جایگاه آن در تقسیم‌بندی «شخص» یا «شیء» است، بلکه چگونگی انتساب نتایج زیان‌بار به ساختار تصمیم‌گیری شخص حقوقی است. تحلیل مبانی سنتی مسئولیت در حقوق ایران، اعم از مسئولیت مبتنی بر تقصیر، مسئولیت ناشی از فعل غیر و مسئولیت مرتبط با اشیا، آشکار ساخت که هر یک از این چارچوب‌ها در فرضی قابل اعمال‌اند، اما در مواجهه با تصمیماتی که حاصل فرایندهای الگوریتمی پیچیده و ادغام‌شده در سازمان هستند، با محدودیت‌های نظری و عملی روبه‌رو می‌شوند. در چنین مواردی، شخصی‌سازی تقصیر، احراز عیب وسیله یا شناسایی فاعل انسانی مشخص، همواره امکان‌پذیر یا کافی نیست و اصرار بر این الگوها می‌تواند به خلأ انتساب بینجامد.

بر اساس تحلیل ارائه‌شده، هرگاه سامانه هوشمند به‌طور مستمر و نظام‌مند در ساختار رسمی تصمیم‌گیری سازمان ادغام شده و مبنای اتخاذ تصمیم قرار گیرد، نتیجه حاصل از آن باید مستقیماً به شخص حقوقی منتسب شود. در این چارچوب، مسئولیت نه به‌عنوان مسئولیت ناشی از فعل غیر، بلکه به‌مثابه مسئولیت مستقیم سازمان قابل توجیه است؛ زیرا اراده شخص حقوقی در بستر ساختاری شکل گرفته که فناوری جزئی از آن شده است. این تلقی با نظریه رکن بودن و با پذیرش تقصیر سازمانی در فعالیتهای پیچیده سازگار است و امکان تبیین پاسخ‌گویی شخص حقوقی را بدون گسست از اصول بنیادین حقوق ایران فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، مسئولیت سازمانی (ساختاری) نه جایگزین مبانی کلاسیک، بلکه مکمل آن‌ها در شرایط تحول ساختار تصمیم‌گیری فناورانه است.

این تحلیل می‌تواند مبنایی برای تحول رویه قضایی در جهت پذیرش انتساب ساختاری در موارد ادغام مؤثر سامانه‌های هوشمند فراهم آورد. در پرتو این تحلیل، دادگاه‌ها در مواجهه با دعاوی ناشی از تصمیمات الگوریتمی سازمان‌ها، به جای تمرکز انحصاری بر شناسایی کارمند مقصر یا اثبات عیب فنی صرف سامانه، باید بررسی کنند که آیا فناوری به‌طور مؤثر در ساختار رسمی تصمیم‌گیری ادغام شده است یا خیر. برای احراز این امر، دادگاه‌ها می‌توانند به شاخص‌های عینی (از جمله تداوم استفاده، تضعیف نظارت انسانی، جایگاه سامانه در سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری و میزان اتکای تصمیم به خروجی الگوریتم) توجه کنند. این شاخص‌ها می‌توانند به قضاوت در مورد تحقق «ادغام مؤثر» یاری رساند و نظریه مسئولیت ساختاری را از یک فرضیه انتزاعی به الگویی عملیاتی برای محاکم تبدیل کند. این رویکرد، افزون بر تقویت حمایت از اشخاص ثالث، موجب می‌شود اشخاص حقوقی پیشاپیش سازوکارهای شفاف حاکمیت الگوریتمی، مستندسازی تصمیمات، و نظام‌های نظارت انسانی مؤثر را پیش‌بینی کنند. بدین ترتیب، مسئولیت ساختاری نه

تنها ابزار جبران خسارت، بلکه ابزاری پیشگیرانه برای ارتقای استانداردهای تصمیم‌گیری فناورانه در سازمان‌ها خواهد بود.

افزون بر آن، پیشنهاد می‌گردد با اضافه کردن تبصره‌ای به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، در مواردی که زیان ناشی از عملکرد سامانه هوشمندی باشد که به‌طور مؤثر در فرآیند تصمیم‌گیری شخص حقوقی ادغام شده است، تقصیر در سطح ساختار سازمانی احراز شود و نیازی به شناسایی عامل انسانی مشخص نباشد. همچنین پیشنهاد می‌گردد ماده‌ای به قانون تجارت (به عنوان ماده ۵۸۹ مکرر یا ماده جدید در بخش اشخاص حقوقی) افزوده شود به این مضمون که تصمیمات اتخاذشده بر مبنای سامانه‌های هوشمند مدیریت قرارداد که در ساختار رسمی تصمیم‌گیری شخص حقوقی ادغام شده‌اند، قابل انتساب مستقیم به شخص حقوقی است؛ زیرا سامانه هوشمند با ادغام در فرآیند تصمیم‌گیری، جزئی از سازوکار شکل‌گیری اراده سازمان شده است. بدین ترتیب، مسئولیت ناشی از این تصمیمات مستقیماً متوجه شخص حقوقی خواهد بود، بدون آنکه سامانه همانند ارکان شخص حقوقی فرض شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- فارسی

۱. ابراهیمی، جیران، (۱۴۰۴)، مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین، فصلنامه تمدن حقوقی، ۸ (۲۵)، ۳۷۱-۳۹۴.
۲. احسانگر، نورا، یزدانیان، علی (۱۴۰۴)، تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از عملکرد هوش مصنوعی با معیار مالکیت یا نگهداری با مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق فرانسه، پژوهش حقوق خصوصی، ۱۴ (۵۳)، ۵۳-۹۰.
۳. ایروانی، علی، خرسند، علی و محمدی، سید باقر (۱۴۰۴)، مبانی فقهی مسئولیت مدنی ناشی از کاربست هوش مصنوعی، آموزه‌های فقه مدنی، doi: ۱۰.۳۰۵۱۳/cjd.۲۰۲۵.۷۰۳۰.۲۰۶۶
۴. باقری، پرویز، (۱۴۰۴)، شخصیت حقوقی و مسئولیت مدنی هوش مصنوعی؛ دشواری‌ها و راهکارهای حقوقی، پژوهش حقوق خصوصی، ۱۳ (۵۱)، ۴۷-۸۲.
۵. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۴)، حقوق مدنی ۴، مسئولیت مدنی، بنیاد حقوقی میزان.
۶. حاجی‌اسماعیلی، میلاد (۱۴۰۳)، چالش‌های مسئولیت مدنی هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به مقررات‌گذاری اتحادیه اروپا، فصلنامه دولت و حقوق، ۱۵ (۱)، ۸۱-۹۸.
۷. داراب پور، مهرباب (۱۳۹۶)، حقوق مدنی ۴، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، مجد.
۸. ذاکری نیا، حانیه (۱۴۰۲)، ماهیت و مبنای مسئولیت مدنی ناشی از هوش مصنوعی در حقوق ایران و کشورهای اتحادیه اروپا، حقوق خصوصی، ۲۰ (۱)، ۱۳۵-۱۵۲.
۹. ذاکری نیا، حانیه و غلامپور، زهرا (۱۴۰۳)، الگوریتم‌های معقول و متعارف و تقویت نظریه قابلیت انتساب مسئولیت مدنی هوش مصنوعی، حقوق فناوری‌های نوین، ۵ (۹)، ۱۵۵-۱۶۸.
۱۰. رضوی، سید مهدی و دائمی، محمد اسماعیل (۱۴۰۳)، مسئولیت مدنی ناشی از خطای قرارداد هوشمند، مطالعات حقوقی فضای مجازی، ۳ (۲)، ۱۵-۲۸.
۱۱. صفایی و رحیمی (۱۳۹۴)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، سمت.
۱۲. عباسلو، بختیار (۱۳۹۴)، مسئولیت مدنی (با تکرش تطبیقی)، بنیاد حقوقی میزان.

۱۳. عیسائی تفرشی، محمد (۱۳۹۵)، **حقوق شرکت های تجاری**، جلد اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، **الزام های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)**، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، **الزام های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)**، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، **تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدن**، مطالعات حقوق خصوصی، ۳۹ (۱)، ۱۸۹-۲۱۴.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، **دوره حقوق مدنی (قواعد عمومی حقوق قراردادها)**، جلد دوم، شرکت سهامی انتشار.
۱۸. قاسم زاده، مرتضی (۱۳۹۰)، **الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد**، بنیاد حقوقی میزان.

- انگلیسی

۱۹. Betts, K. D., & Jaep, K. R. (۲۰۱۶). **The dawn of fully automated contract drafting: Machine learning breathes new life into a decades-old promise.** *Duke L. & Tech. Rev.*, ۱۵, ۲۱۶-۲۳۳.
۲۰. Calo, R. (۲۰۱۵) **Robotics and the Lessons of Cyberlaw**, ۱۰۳ *Calif. L. Rev.* ۵۱۳, University of Washington School of Law UW Law Digital Commons, <https://digitalcommons.law.uw.edu/faculty-articles>
۲۱. Corrales Compagnucci, M., Fenwick, M., & Haapio, H. (۲۰۲۲). **Digital technology, future lawyers and the computable contract designer of tomorrow.** *Research Handbook on Contract Design.* Edward Elgar Publishing. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=۳۹۰۸۳۷۰>
۲۲. Dabass, J., & Dabass, B. S. (۲۰۱۸). **Scope of artificial intelligence in law.** *Preprints*, ۲۰۱۸۰۶۰۴۷۴. doi: ۱۰.۲۰۹۴۴/preprints۲۰۱۸۰۶۰۴۷۴.۷۱
۲۳. Dale, R. (۲۰۱۹). **Law and word order: NLP in legal tech.** *Natural Language Engineering*, ۲۵(۱), ۲۱۱-۲۱۷. Cambridge University Press. doi: <https://doi.org/10.1017/S1351324918000475>
۲۴. Foster, W. E., & Lawson, A. L. (۲۰۱۸). **When to praise the machine: The promise and perils of automated transactional drafting.** *South Carolina Law Review*, ۶۹(۳), ۵۹۷-۶۳۴.

۲۵. Martin-Bariteau, F., & Pavlović, M. (۲۰۲۱) “**AI and Contract Law**”, Florian Martin-Bariteau & Teresa Scassa, eds., *Artificial Intelligence and the Law in Canada* (Toronto: LexisNexis Canada), ch. ۳. <https://ssrn.com/abstract=۳۷۳۰۳۸۵>
۲۶. Giuffrida, I., Lederer, F., & Vermeys, N. (۲۰۱۸). **A legal perspective on the trials and tribulations of AI: How artificial intelligence, the internet of things, smart contracts, and other technologies will affect the law.** *Case Western Reserve Law Review*, ۶۸(۳), ۷۴۷-۷۸۱.
۲۷. Gravett, W. H. (۲۰۲۰). **Is the dawn of the robot lawyer upon us? The fourth industrial revolution and the future of lawyers.** *Electronic Law Journal (PER/PELJ)*, ۲۳, ۱-۳۷. doi:<http://dx.doi.org/۱۰.۱۷۱۵۹/۱۷۲۷->
۲۸. Gredka-Ligarska, I. (۲۰۲۰) **Employer’s Vicarious Liability for Damage Caused by an AI Worker: Comparative Law Perspective.** *Utrecht Law Review*, ۲۱(۱), ۳۶-۴۸. DOI: <https://doi.org/۱۰.۳۶۶۳۳/ulr.۱۰۶۳>
۲۹. Hendrycks, D., Burns, C., Chen, A., & Ball, S. (۲۰۲۱). **CUAD: An expert-annotated NLP dataset for legal contract review.** *Proceedings of the ۳۵th Conference on Neural Information Processing Systems (NeurIPS ۲۰۲۱) Track on Datasets and Benchmarks.*
۳۰. Herbosch, Maarten and Mertens, Floris, **The Future of Mergers & Acquisitions? Risk Allocation in AI-Guided Transactions** (۲۰۲۵). *Forthcoming in European Business Organization Law Review* ۲۰۲۶., Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=۵۲۷۵۶۱۰> or <http://dx.doi.org/۱۰.۲۱۳۹/ssrn.۵۲۷۵۶۱۰>
۳۱. Semmler, S., & Rose, Z. (۲۰۱۷). **Artificial Intelligence: Application today and implications tomorrow.** *Duke L. & Tech. Rev.*, ۱۶, ۸۵-۹۹.
۳۲. Vladeck, D.C. (۲۰۱۴). **Machines Without Principals: Liability Rules and Artificial Intelligence**, ۸۹ *Wash. L. Rev.* ۱۱۷- ۱۵۰. Available at: <https://digitalcommons.law.uw.edu/wlr/vol۸۹/iss۱/۶>
۳۳. Wendehorst C. (۲۰۲۲), **Liability for Artificial Intelligence: The Need to Address Both Safety Risks and Fundamental Rights Risks.** In: Voeneky S, Kellmeyer P, Mueller O, Burgard W, eds. *The Cambridge Handbook of Responsible Artificial Intelligence: Interdisciplinary Perspectives.* Cambridge Law Handbooks. Cambridge University Press; ۱۸۷-۲۰۹.
۳۴. Williams, S. (۲۰۱۹). **Predictive contracting.** *Golden Gate University School of Law*, ۲۰۱۹(۲), ۶۲۱-۶۹۵.

۳۵. Yamane, N. (۲۰۲۰). **Artificial Intelligence in the Legal Field and the Indispensable Human Element Legal Ethics Demands.** *Geo. J. Legal Ethics*, ۳۳, ۸۷۷-۸۹۰.

